

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که چند جلسه اخیر مربوط به اصل سوم بود؛ اصل مرجعیت اطمینان، و ظهور را هم در همین محدوده اطمینان حبس کردیم و عرض شد به صرف ظن نوعی نه عقلا اقدام دارند و نه فقهاء.

نمونه‌هایی از کلمات فقهاء و اصولیین برای این منظور مطرح می‌شود: اندیشه برخی اصولیین بر جبر ضعف سند و حتی بر ضعف دلالت طبق عمل مشهور... و ضرر زدن اعراض مشهور به حجیت یک روایت در وقت تعارض یا مطلقا... وقتی مشهور از روایتی اعراض می‌کنند به آن روایت عمل نمی‌شود. اعراض مشهور دو کار می‌کند؛

1: روایت را در وقت تعارض از حجیت فعلیه می‌اندازد و الا در غیر فرض تعارض از حجیت نمی‌اندازد.

2: به تمامه روایت را از حجیت می‌اندازد ولو اینکه تعارضی هم نباشد.

چنانکه عمل مشهور، گاه سند می‌شود و گاه سبب ترجیح روایت در فرض تعارض می‌شود. بارها شنیده‌اید که فلان عام آبی از تخصیص است یا فلان مطلق آبی از تقيید است.

توضیح: مثلاً 4 نفر رفته‌اند مکه و بعد رفته‌اند مدینه برای زیارت ائمه و سوالاتی را از محضر امام می‌کردند و بر می‌گشتند به بلادشان... سوال این است: که ما می‌توانیم این عمومات را به راحتی تخصیص بزنیم به صرف اینکه از امام بعدی است و... برخی گویند آنهایی که دو روز در کنار امام می‌مانند و می‌روند عمومات در حق آنها آبی از تخصیص است؛ اما اگر شخص شاگرد امام باشد مثل زراره و... عمومات در حقشان آبی از تخصیص نیست.

نکته: از آقا ضیاء سوال می‌کنند اجتهاد چیست؟ می‌فرماید: کندن کوهی با سوزن... شیخ انصاری می‌فرماید:

اجتهادی که از جهاد طولانی مشکل تر است. استاد علیدوست: لوازم حرف ما چیست؟ من به قدری که وقت اجازه بدهد لوازم را خدمت شما عرض می‌کنم.

یکی از لوازم: اصول لفظیه (اصل عموم، ظهور، اطلاق و...) چه وجودی و چه عدمی بنا بر مینای ما هیچ کدام اصالت ندارد و نیاز نیست ما به این اصول متعبد بشویم و این اصول طریقت دارد برای رسیدن فهمنده به اطمینان. وقتی اطمینان فهمنده بر خلاف عموم باشد، مثل جایی که انسان به مجاز بیشتر اطمینان کند و... در این صورت اصل عموم و اطلاق و... دیگر به درد نمی‌خورد چرا که ملاک، اطمینان فهمنده از سخن شرعی است.

سوال: چرا فقهاء این‌ها را مطرح کرده‌اند؟

پاسخ: ممکن است کسی بگوید بنا بر آنچه گفته شده ظن نوعی و... این بحث‌ها جا دارد و اگر بپرسند چرا مطرح شده؟ می‌گوییم این اصول طریقت نوعی به اطمینان دارند. توضیح: انسان به عموم، اطلاق و... اطمینان پیدا می‌کند به واسطه همین اصول؛ و این‌ها راههای خوبی هستند برای حصول اطمینان. طبق حرف ما باید اصالة الاطمینان مطرح شود و اصل عموم، اطلاق و... به عنوان راههای حصول اطمینان بیان شود.

ثمره دوم حرف ما: عرض کردیم که در بین فقهاء اختلاف بود که آیا این اصول لفظیه مستقل هستند یا به هم دیگر رجوع می‌کنند و... بنا بر گفته ما خیلی ثمره ندارد که بگوییم آیا مستقل هستند یا به هم رجوع می‌کنند؛ چرا که طبق حرف ما فقط اطمینان مهم است.

استاد علیدوست: اگر از حرف خودمان کوتاه بیایم و در غالب فرمایش اصولیین صحبت کنیم فکر می‌کنم این اصول، (یرجع بعضها الی بعض) و ریشه و اصل همان ظهور است؛ و این حرف ما مطابق مشهور است؛ شما وقتی اصل عدم قرینه اجرا می

کنید، می گوید ظاهراً همین مرادش بوده است و لذا به ظهور بر می گردانید؛ و لذا اصل عموم، اصل حقیقت، اطلاق و... طریق هستند برای اصل ظهور.

استاد علیدوست: بهتر است به جای اصل ظهور بگوییم مرجعیت ظهور تا اصل ظهور هم عرض اصل اطلاق، حقیقت و... واقع نشود چرا که اصل ظهور ریشه سایر اصول است.

**الحمد لله رب العالمین**